



# حلقه بر دانستگ آزاد

نشریه صراط  
سال دوم  
شماره هشتم

هذا  
رَبِّكَ  
صِرَاطُ  
مُسْلِمِيْمًا



**صاحب امتیاز:**  
**انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده شریعتی**  
**(عضو دفتر تحکیم وحدت)**



**مدیر مسئول و سردبیر: فاطمه گرشاسبی**  
**هیئت تحریریه: فاطمه بابایی، راضیه غلامی، فائزه فاتحی**  
**ویراستار: زهرا مظہری**  
**طراح جلد و صفحه آرا: اعظم کابلی**

   @AnjomanEslami\_SU

۱

**خاموشی سینما**

۲

**حقیقت یا توهم**

۳

**نقد منتقد**



همین علت وقتی فیلمی بر علیه ما ساخته میشود نه تنها ما چیزی برای ارائه نداریم بلکه این توازن و تعادل بین فیلم هایی که حقیقت را بیان میکنند و فیلم هایی که با بازنمایی دروغ قصد تخریب دارند، به هم میریزد.

اگر ما در مسیر درست و صحیح و انقلابی قدم برداریم و از پیش به فکر ساخت محصولات فرهنگی از حقایق ملی و اسطوره های خود باشیم، دیگر نیاز نیست با وزش یک باد مخالف تازه به فکر واکنش دادن بیافتیم.

البته که به تازگی ما کم و بیش اثر های خوبی از این دست آثار را شاهد هستیم اما هنوز راه درازی در پیش است و در این زمینه باید تلاش و مجاهدت های فراوان شود.

همچنین در زمینه اکران خارجی فیلم ها ما تنها شاهد چند فیلم اندک بودیم که آن ها هم حول موضوع های اجتماعی و معضلات جامعه بوده اند و حرفی از تاریخ و اسطوره های ایران زده نشده است. برای این که بتوانیم سینمای خود را به جهان معرفی کرده تا به واسطه آن آرمان های انقلاب را عرضه کنیم، باید در زمینه اکران خارجی حضوری پر قدرت و فراگیر داشته باشیم. رسیدن به این خواسته هم با سرمایه گذاری مناسب حاصل می شود.

به هر حال امید است فکری بخردانه در خصوص وضعیت سینمای ایران و اتفاقاتی که حول و محور آن رخ میدهد، شده و شاهد حضور فیلم هایی پر قدرت، خوب و قوی در سینمای ایران باشیم.

همه ما کم و بیش فیلم هایی با مضامین ضدایرانی و ضد اسلامی دیده ایم و یا دست کم نام آن ها را شنیده ایم؛ اما آیا تا به حال از خود پرسیده ایم که واکنش و برخورد سینمای ایران و سینماگران در برابر این هجمه ها چه بوده است؟ در حالی که تولید فیلم های ضدایرانی در هالیوود رو به افزایش گذاشته، سینمای ایران هنوز در ارائه تصویری واقعی و قابل استناد درباره تاریخ و فرهنگ ایران برخوردی منفعلانه پیش گرفته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سینمای هالیوود پروژه های متعدد ضدایرانی را تولید کرده که حالا دیگر می شود فهرست بلندی از آنها تهیه کرد! که از معروف ترین آنها میتوان به سریال "زمانی برای خیانت"، فیلم سینمایی "۳۰۰"، قسمت دوم آن "آرتمیشیا : ۳۰۰" و "آرگو" اشاره کرد.

باوجود روند جدی تولید و سرمایه گذاری در پروژه های گاهاً سنگین ضدایرانی یا حتی ساختن فیلم هایی درباره تاریخ و تمدن ایران با تعبیر خاص هالیوودی، سینمای ایران و اعضای این خانواده، بجز واکنش های مقطعی و هیجانی، هیچ عکس العمل دیگری از خود نشان نداده اند... سوالی که مطرح میشود این است که سینمای ایران نه تنها در پاسخ به فیلم های ضدایرانی، همچنین در ارائه تصویری واقعی از تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی تا چه میزان موفق عمل کرده است؟

متأسفانه برای این سوال، پاسخ قابل قبول و رضایت بخشی وجود ندارد. سینمای ایران در بازنمایی و به تصویر کشیدن واقعیت و حقایق همچنین در ساخت فیلم هایی بر پایه و اساس اسطوره های ایرانی بسیار ضعیف عمل کرده و کم کار است، به



توهین ها و تحریف های آنها تا جاییست که برای مثال در فیلم سیصد، خشایارشا شبیه به هم جنس بازان غربی به تصویر درآمده و حتی شکلی تمثیلی از یک بز شاخدار که مظهر شیطان است، در حرمسرای وی دیده می شود.

تکنیک های به کار رفته در این فیلم ها مورد پسند نوجوانان و جوانان است و این نشان می دهد سازندگان فیلم درصدد تاثیر گذاشتن بر جوانان و ایجاد برداشت های مطابق میل خود در میان آنها بوده و هستند

این فیلم ها به یک بمب می مانند که تخریب آن کمتر از اقدامات تروریستی نیست! آنها تمام تلاش خود را می کنند تا فیلم هایی تحقیر کننده بر پایه مضحکه ای از تاریخ در رابطه با ایرانیان بسازند و بر افکار عمومی تأثیر بگذارند. در این بین کسی هم جلودارشان نیست، کسی نمی گوید چطور به خودتان اجازه می دهید تاریخ ملتی با این تمدن را به سخره بگیرید، برای خودتان افسانه سرایی کنید و آنها را چیزی که نیستند نشان دهید؛ مگر مصداق نقض حقوق بشر محسوب نمی شود؟

به راستی جامعه امروز ما شبیه چیزی است که در "بدون دخترم هرگز" نشان می دهد؟ یا تاریخمان همان است که فیلم "اسکندر" می گوید؟ به طور قطع اینگونه نیست؛ این ها تنها اوهام کسانی است که دوست دارند ایران و مردمانش آنگونه باشند.

قسمت تلخ ماجرا اینجاست که جهانیان ما را با این تصاویر میشناسند، چرا که تنها درصد اندکی از افرادی که این فیلم ها را می بینند به دنبال تحقیق درباره حقیقت داستان می روند، و کفایت خودمان را به جای آنها بگذاریم حس بد و منزجر کننده ای نسب به ایرانی ها پیدا میکنیم، کسانی که فطرت شان ویرانگریست و میخواهند دنیا را به نابودی بکشانند.

حال دوباره به این سوال برگردیم ما در کجای سینمای جهان ایستاده ایم؟

تا به حال با خود فکر کرده اید اگر روزی در سینمای کشور دیگری بنشینید و آنها بخواهند فیلمی در رابطه با ایرانیان پخش کنند چه خواهید دید؟ افرادی که از ایران شناخت درستی ندارند با دیدن آن فیلم چه حسی به شما پیدا می کنند؟

همه می دانند این هنر هفتم اعجاب انگیز می تواند هر طور که میخواهد به موضوعی پردازد، از هر زاویه دیدی که دوست داد نگاه کند و بعد همان را به زاویه دید انسان دیگر بسیاری تبدیل کند.

اما ما در کجای سینمای جهان ایستاده ایم؟ فیلم ها چگونه به ما و تاریخمان پرداخته اند؟ ساده است! فقط نیاز دارد به جستجویی کوچک درباره ی فیلم هایی که راجع به ایران در خارج از کشور ساخته شده است. به نتیجه یک نگاهی بیاندازید، چه حالی پیدا می کنید از دیدن اینکه ایران در سینمای جهان کشور پرست وحشی، عقب مانده، بی فرهنگ با مردمانی همانند انسان های اولیه...؟

فرقی نمی کند بخواهند تاریخ تمدنش را به سخره بگیرند یا معاصرش را، هر چه که بتواند دید جهانیان را نسبت به ما در جهت اهدافشان تغییر دهد می سازند؛ حال می خواهد "سیصد" و "اسکندر" باشد یا "سنگسار ثریا" و "بدون دخترم هرگز". باور کردنی نیست اما واقعیت دارد واقعیتی تلخ، که به راحتی تاریخ را تحریف میکنند تا به اهدافشان برسند.

در فیلم هایی که از تاریخ تمدن ایران ساخته اند این ویژگی مشترک وجود دارد که در آن ایرانیان ترکیبی از تجسم تمام کلیشه های قابل تصور و رایج غرب علیه شرق هستند: «موجوداتی منحط و هوسران، ترسو، ضعیف و کم جرئت.» که گاهی به دلایلی حیوانی و پست، تصمیم به حمله می گیرند و به آدم هایی متوحش، ظالم و مخالف دموکراسی تبدیل می شوند.

بر اساس روایات هالیوودی، ایرانیان متمدن همچون غولان و اهریمنان تجسم شده اند و چهره برخی از شخصیت های ایرانی، شباهتی به چهره یک انسان ندارد و بیشتر شبیه شخصیت های خونخوار فیلم های علمی-تخیلی است.



سینما هنری است که از حضورش در میان ما زمان زیادی میگذرد اما با این حال هنوز هم به گونه ای که باید، به آن پرداخته نمی شود.

اصلی ترین رسالت سینما علی الخصوص در حال حاضر که ما درگیر جنگ نرم و تهاجم فرهنگی هستیم این است که فرهنگ سازی کند و فیلم هایی را به نمایش بگذارد که برای جوان کنجکاو امروزی جذابیت کافی داشته باشد و همزمان به خیل عظیمی از سوالاتش هم پاسخ بدهد، از فرهنگ و قدمت و تاریخ و مذهب یک کشور صحبت کند و بتواند قشر جوان و پر از سوال را به خودش جذب کند. فیلم هایی را به تصویر بکشد که از هر نظر به آگاهی مردم اضافه کند.

به راستی زمان بسیاری است که کمبود چنین آثاری در سینمای ما احساس میشود و جای این آثار را فیلمهایی بیهوده و سرشار از رذائل اخلاقی پر کرده اند که نه تنها آگاهی ای به تماشاگر نمیدهد، بلکه تماشاگر با پایانش به این می اندیشد که حیف زمان و هزینه ای که صرف این فیلم کرده است!

یکی از عناصر مهم سینما منتقدین فیلم هستند؛ منتقد فیلم دو نوع است: نوع اول کسی است که فیلم را میبیند، وسط فیلم به خواب عمیق فرو میرود سپس بالشت را برداشته و به آغوش گرم تخت خواب میرود. اما نوع دوم فردی است که فیلم را با دقت میبیند و به ریزترین مسائل و جزئیات دقت میکند و آنها را ارزیابی میکند، نظرش را نسبت به فیلمنامه، تکنیک ساخت، جلوه های بصری و جلوه های ویژه، انتخاب بازیگر و... به شیوه ای درست اظهار میکند، اگر فیلم دارای ژانر تاریخی

باشد باید نسبت به آن مقطع تاریخی آگاهی داشته باشد و یا اگر مذهبی است باید بر امور دینی تسلط کافی را داشته باشد، اگر هم مسلط نیست از بزرگان تاریخ و مذهب اطلاعات لازم را کسب کند و در گام بعد با ذکر منابع معتبر به نقد فیلم بپردازد.

اما مع الاسف اوضاع منتقدان ما از اوضاع سینمایمان هم وخیم تر است و تعداد منتقدین نوع دوم بسیار کم و انگشت شمار است.

درست هنگامی که شاهد هستیم در غرب با استفاده از ابزار سینما به دروغ علیه کشور، تاریخ و تمدن ما صحبت می شود و حرفهایی بی پایه و اساس به ما نسبت داده می شود که نتیجه ای جز خراب شدن وجهه کشور و ملت ما ندارد؛ توقع می رود منتقدین واکنشی درست و به جا از خود نشان دهند اما واقعیت ماجرا این است که در مواجهه با اینگونه فیلمها منتقدان اصولاً از این الفاظ استفاده میکنند: اشتباه شده است، سوء تفاهم است، سخت نگیرید و قص علی هذا!

نکته قابل توجه این است که در همین حین منتقدین کشورهای دیگر با ذکر منابع مختلف و همچنین معتبر صحت روایات نقل شده را رد کرده و اصل ماجرا را توضیح میدهند درست همان واکنشی که از یک منتقد داخلی انتظار می رود...

امید است منتقدان فرهیخته کشورمان که به میهن و تاریخ خود ارق دارند، زین پس به راحتی از کنار اینگونه فیلمها نگذرند و به سینما که نشان دهنده فرهنگ یک ملت است اهمیت داده و به وظیفه اصلی خود عمل کنند.

هنر سینما\_ بلاشک یک هنر برتر است؛ یک روایت کاملاً مسلط\_ که هیچ روایت گری تا کنون در بین این شیوه های هنری روایت یک واقعیت و یک حقیقت، تا امروز به این کار آمدی نیامده\_ و یک هنر پیچیده و پیشرفته و متعالی. شما این دریچه را دم دست دارید؛ یعنی دریچه سینما به سوی معارف و پرتوی که از این دریچه به داخل افکنده می شود. این دریچه در اختیار شماست.

بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون\_ ۱۳۸۵/۳/۲۳